

# بررسی ویژگیها و مسائل مجلات علمی - تخصصی ایران

دکتر منوچهر محسنی

دانشیار جامعه شناسی دانشگاه تربیت مدرس تهران

## چکیده

آنچه که در این مقاله آمده است، مروری بسیار اجمالی در یافته‌های طرح بررسی ویژگیها و مسائل مربوط به تولید، نشر، و مطالعه مجلات علمی در ایران است که از سه زاویه تولیدکنندگان، نشریات تولید شده، و نیز مطالعه‌کنندگان مورد توجه قرار گرفته است. این بررسی با حمایت مالی مرکز مطالعات و تحقیقات، رسانه‌های وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مشارکت گروهی از پژوهشگران (از جمله دکتر بیژن زارع، پرویز صالحی، دکتر خسرو اسلامی، دکتر ابراهیم فیوضات، دکتر پروین محسنی و دکتر عباس احمدی) صورت گرفته است. متن کامل این گزارش در ۵۷۷ صفحه تکثیر گردیده است و در آرشيو مرکز مذکور موجود است.

## مقدمه و طرح مسئله

در جهان معاصر مجلات علمی به دلایل متعدد، در انتقال اطلاعات جاری علمی و فنی نقش مهمی ایفا می‌کنند و به اعتقاد پژوهشگران در کنار سایر وسایل ارتباطی در زمینه علم و تکنولوژی دارای جایگاهی خاص و گاهی منحصر به فرد هستند. این مجلات که در گروه «مطبوعات» ادواری قرار می‌گیرند رسانه انتقال اطلاعات، مطالعات، و پژوهشهای علمی و فنی هستند (علوم انسانی، علوم پایه، علوم پزشکی و بهداشت، فنی و مهندسی، کشاورزی و منابع طبیعی، هنر و معماری) و چاپ و نشر منظم و به‌هنگام و دسترسی ساده و سریع استفاده‌کنندگان به آنها پس از انتشار، دریافت اطلاعات را در مدت زمانی کوتاه پس از شکل‌گیری امکان‌پذیر می‌کند (Tristani, p.7).

از آنجا که بحثهای نظری مربوط به مجلات علمی عملاً در حوزه علوم ارتباطی مطرح می‌شود، کلیت آن به‌گونه‌های خاصی تجزیه و تحلیل شده است، که البته در اینجا مجال مرور در آنها نیست. از مشهورترین این نظریات و در عین حال قدیمی‌ترین آنها نظریه «پاداش آتی و آتی» ویلبر شرام (W. Schramm) است که اساساً با بحث مجلات علمی رابطه مستقیم دارد. «شرام» معتقد است که تمایل به انتخاب پیامهای ارتباطی از یکسو تابعی از پاداشهای مورد انتظار آتی و آتی و از سوی دیگر انرژی ضروری برای مطالعه و دستیابی (صرف وقت، کوشش و ...) به این منابع است. او پاداش آتی را اطلاع از مطالب و اخبار جاری و پاداش آتی را درک مطالب عمیق و پیچیده علمی، اجتماعی و ادبی می‌داند. مطالبی که درک کامل آنها منوط به وجود اطلاعات و زمینه‌های

ذهنی قبلی است. در حالی که مطالب نوع اول سبب تحریک و تهییج مخاطب و مطالب نوع دوم سبب تفکر، اندیشه و تکاپوی ذهنی می‌شوند.

از سوی دیگر بلومر و کتز (Blumer, Katz) معتقدند که کاربرد وسایل ارتباط جمعی مبتنی بر هدفی خاص است. مخاطبان پیامهایی را انتخاب می‌کنند که نیاز آنان را تأمین کند. وسایل ارتباط جمعی فقط یکی از منابع تأمین نیاز هستند، و مخاطبان از نیازهای خود آگاه‌اند.

در حوزه مطالعات نظری ارتباطات باید به این واقعیت نیز توجه داشت که نگرشهای طرفداران بحث‌های «بازاریابی اجتماعی» نیز ممکن است در تجزیه و تحلیل وضع و شرایط مجلات علمی سودمند باشد، چرا که این دیدگاه با طرح سؤالی پیرامون چهار عامل محصول، قیمت، مکان و ترویج، مطالعات خود را آغاز می‌کند. بازاریابی اجتماعی حوزه کار را به سوی فعالیتهایی هدایت می‌کند که در مقایسه با بازاریابی تجاری سودآوری کمتر است و راه فعالیت ناهم‌اوریهای بسیاری دارد (ویندال، ص ۱۶۹).

توجه خاص به موضوع جهانی شدن ارتباطات در دهه اخیر و پیگیری بحثها در این زمینه بی‌تردید نگاه به مجلات علمی را در آینده متحول خواهد کرد. با گسترش وسایل ارتباطی الکترونیک به‌طور بالقوه اندیشه‌ها، تصاویر و صداهای فرهنگهای مختلف در دسترس شبکه گسترده‌ای از افراد قرار خواهد گرفت که این پیامها برای آنها ارسال نشده است. جهانی شدن، تنها شامل نوآوریهای

تکنولوژیک نمی‌شود (آنچه که برقراری ارتباط در فواصل دور را ساده کرده است) و شاید بتوان گفت مهمترین جنبه آن ارتباط با مبادلات میان فرهنگی در بخشهای مختلف کره زمین است. جهانی شدن وسایل ارتباط جمعی بیش از هر چیز با «محتوا» ارتباط پیدا می‌کند، یعنی محصولات فرهنگی قابل دسترس در مقیاس جهانی (Croteau, p. 292).

هرگاه از جنبه صنعتی و در رابطه با خط تولید به موضوع تولید، توزیع، نشر و مطالعه مجلات علمی توجه کنیم، موضوع به شکل دیگری مطرح خواهد شد. در ابتدای خط تولید، پژوهش و تفکر نظری، یا هر دو قرار می‌گیرد و این امر به تولید اطلاعات علمی منجر می‌شود. تولیدی که سرانجام به صورت مقاله تدوین و برای چاپ آماده می‌شود. در حوزه‌ای دیگر نیز تولید مجله علمی صورت می‌گیرد، مقاله پس از طی مراحل اولیه (انتخاب، ویرایش) آماده چاپ و نشر می‌شود. در صورتی که به مجله علمی در چارچوب نظریه سیستمی توجه شود در آن چند سیستم فرعی تولیدکنندگان، مجله، توزیع و عرضه و مصرف‌کنندگان را مشاهده می‌کنیم که هرکدام به اجزای متعددی تقسیم می‌شوند و در یک مطالعه جامع باید تا حد امکان همه آنها را مدنظر داشت (Richardson, p.6).

در هرکدام از این دیدگاهها، اجزای مورد بررسی اهمیتهای متفاوتی پیدا می‌کنند. مثلاً در حالی که در نگرش صنعتی بر تولید اطلاعات و ماهیت مادی و معنوی مجله تأکید می‌شود، در دیدگاه سیستمی به عوامل درونی و بیرونی در رابطه تعاملی باهم توجه می‌شود. در این رابطه و با عنایت به ابعاد عملیاتی، موضوع را در سه حوزه اطلاعاتی مجله، مدیریت مجله، و خواننده و نویسنده مورد بررسی قرار داده‌ایم.

در ایران مجلات علمی بر اساس طبقه‌بندی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به انواع علمی - پژوهشی و علمی - ترویجی تقسیم می‌شوند و تعداد آنها نیز در طول نیم قرن اخیر همواره دستخوش نوسان و در عین حال افزایش نسبی بوده است. به‌طور کلی و صرف نظر از موارد خاص (تعدادی از مجلات علمی عمومی) این مجلات: تنوع موضوعی زیادی دارند، در اغلب موارد از نظر تأمین بودجه با مشکل روبه‌رو هستند، خوانندگان آنها معدودند، به لحاظ تبلیغاتی فعالیت قابل توجهی ندارند، هزینه چاپ و نشر آنها زیاد و اغلب بدون بازگشت است، معمولاً با کمک مالی دستگاههای دولتی منتشر می‌شوند، در بسیاری از موارد دارای سازمان کافی و مدیریت مستقلی نیستند و انتشار آنها به فعالیت دستگاه یا حتی مدیر معینی وابسته است، نسبت کمی از آنها به‌طور عمومی به فروش می‌رسند و فقط برای مشترکان ارسال می‌شوند، انتشار آنها فاقد نظم ادواری است و ... در کشور ما دولت در انتشار این نشریات دارای نقش عمده‌ای است (که معمولاً از طریق دانشگاهها و سایر مؤسسات دولتی اعمال می‌شود) و صرف نظر از تأمین بودجه مبلغ قابل توجهی نیز (با تقلیل قیمت فروش مجلات در رابطه با قیمت تمام شده) به خوانندگان یارانه می‌پردازد. مجلات علمی کشور ما از نظر تولید، نشر، توزیع، دسترسی، مطالعه، و بهره‌رسانی علمی با مشکلات متعددی روبه‌رو هستند که باید

بررسی شوند تا اطلاعات ضروری در برنامه‌ریزی فراهم آید.

## الف - مبانی نظری و روش شناختی پژوهش

### ۱. نشریات ادواری

در پاسخ به این پرسش که نشریه ادواری چیست، می‌توان به ویژگیهایی که گروه زیادی از کارشناسان مطبوعات گردآوری کرده‌اند اشاره کرد (Bethery, 1997:49):

- ماهیت قانونی عنوان نشریه،
- ماهیت گروهی هر شماره، یعنی هر شماره دارای مقالات متعددی است که نویسندگان مختلف نوشته‌اند و این مقالات به‌طور کلی در زمینه‌های گوناگون است،
- مدت یا عمر نشریه علی‌الاصول نامحدود است،
- مجله به‌طور منظم منتشر می‌شود،
- هریک از شماره‌ها دارای تسلسلی عددی و نظم تاریخی مشخصی هستند،
- متون موجود در مجله حالت پیشرو دارد، به‌گونه‌ای که نشریه ادواری با امور جاری مرتبط با آن رشته مربوط می‌شود (جاری از نظر واقعه‌ها، اندیشه‌ها، یا تحقیقات).

همانند بسیاری از موضوعات دیگر، مراجع مختلف تعریف واحدی از نشریه ادواری عرضه نمی‌کنند، هرچند از نظر محتوا شباهتهایی نیز باهم دارند. بر اساس تعریف «فرهنگ مدارک و اسناد» فرانسوی زبان موسوم به «AFNOR» (۱۹۸۷)، نشریه ادواری حالت سری دارد، دارای عنوان مشخص و یگانه‌ای و تعدادی مقاله مندرج در فهرست مقالات است و شماره‌های آن یکی بعد از دیگری و در فاصله‌های زمانی معمولاً مشخص منتشر می‌شود (Ibid, p.49). باتوجه به فرهنگ «وبستر» (Webster)، «نشریه ادواری» «Periodical» در فاصله زمانی ثابتی میان شماره‌ها یا موضوعات منتشر می‌شود (Ibid, p.49). همین فرهنگ در تشریح واژه «Journal» که در زبان فارسی آن را مترادف با «مجله» می‌دانیم بر این نکته تکیه دارد که این نشریه به‌طور روزانه یا ادواری و در حوزه‌های موردعلاقه عمومی منتشر می‌شود. این واژه از کلمه لاتین «Diurnalis» (از ریشه Diurnus به معنی روز) گرفته شده است.

«یونسکو» (UNESCO) که در زمینه کتاب‌شناسی دارای فعالیتهای گسترده‌ای است در تعریف عملیاتی خود به‌هنگام تدوین «فهرست جهانی مجلات علوم اجتماعی» یادآور می‌شود که «نشریات ادواری» (Periodicals) نشریاتی هستند که به‌صورت مجلدات پی‌درپی و با عنوان واحدی چاپ می‌شوند، و ترتیب دوره‌ای چاپ آنها به‌طور معمول از قبل مشخص شده، برای مدتی نامشخص منتشر می‌شوند. این نشریات در هر شماره در عین اینکه محتوای متفاوتی دارند، دارای ماهیت مشابهی هستند. بنابراین نه تنها نشریاتی که ماهانه یا هر سه ماه یکبار منتشر می‌شوند در این تعریف جای می‌گیرند، بلکه آن دسته از مجلات که سالانه یا دوسالانه و سه‌سالانه منتشر می‌شوند نیز نشریه ادواری به‌شمار می‌آیند. در مقابل آن گروه از نشریاتی که دوره انتشار آنها بیش از ۲

شماره در ماه است (یعنی اینکه بیش از ۲۴ بار در سال منتشر می‌شوند) در فهرست نشریات ادواری قرار نمی‌گیرند.

## ۲. انواع نشریات ادواری

نگاهی به تعاریف نشریه ادواری نشان می‌دهد که این نوع نشریات به دسته‌های بسیاری طبقه‌بندی می‌شوند و در هرکدام از این دسته‌ها تنوع بسیاری دیده می‌شود. به علاوه، این نشریات ویژگیها، کارکردها، تولیدکنندگان، و خوانندگان و مسائل بسیار متفاوتی هم دارند.

دسته‌های اصلی نشریات ادواری را «بتری» و همکارانش (Bethery, 1997:49-54) بدین ترتیب طبقه‌بندی کرده‌اند:

**الف - روزنامه‌های جاری و روزمره (یومیه):** داعیه روزمره بودن (مگر در شرایط استثنایی) مترادف با پوشش تمام بخشهای زندگی جاری است (سیاست داخلی و بین‌المللی - زندگی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، هنری، ورزشی - اخبار منطقه‌ای - سایر اطلاعات و واقعه‌ها و همچنین آگهی‌های گوناگون). این نشریات معمولاً باید نیروی انسانی قابل توجهی به شکل تمام‌وقت یا نیمه‌وقت در اختیار داشته باشند.

البته برخی از مطبوعات روزانه نیز حالت تخصصی دارند و در زمینه‌هایی مانند امور اقتصادی و مالی، امور ورزشی، یا حقوقی فعالیت می‌کنند. اما به‌طور کلی اغلب مطبوعات تخصصی ادواری دارای نظم انتشار هفتگی، دوبار در ماه، ماهانه، یا فصلی هستند. روزنامه‌های خبری این گروه بسیار پرهزینه هستند (از نظر هزینه‌های پرسنلی یا مواد و وسایل مصرفی). فروش مطبوعات خبری روزانه در زمان بسیار کوتاهی در فاصله خروج از چاپخانه و عرضه به خوانندگان انجام و در صورت فروش نرفتن به سرعت به کاغذ باطله تبدیل می‌شوند.

**ب - مجلات جاری و خبری:** این نوع از مطبوعات از نظر موضوع، تعداد صفحات، قطع، نوع چاپ، صفحه‌بندی و حرفه‌چینی، هدف و ... تنوع زیادی دارند، هرچند که انواع اصلی و بسیار مشهور آن در سطح کشورها معدودند. این مجلات نیز باتوجه به تخصصی بودن خواه به لحاظ نوع خواننده (جوانان، زنان)، یا محتوا (ورزش، فنون مختلف، تفریحات) از نظر شرایط اداره و گردش امور در موقعیتی بهتر از روزنامه‌های روزمره قرار دارند. در این زمینه‌ها نوآوریها و وقایع جدید هم به این نوع مطبوعات کمک و فروش قابل توجهی را برای آنان تضمین می‌کند (شماره مخصوص درباره زمینه‌های گوناگون). این نوع مطبوعات که معمولاً همراه با نوآوریها پیش می‌روند می‌توانند در حوزه تبلیغات مرتبط با این موضوعات نیز نقش قابل توجهی ایفاکنند.

**ج - مجلات دانشگاهی و فرهنگی:** در اغلب کشورهای اروپایی چاپ این مجلات را ناشران کتب یا ناشران حاصل مجلات انجام می‌دهند (واقعیتی که در کشور ما مطرح نیست و چاپ این آثار جز به‌طور استثنا در گذشته سابقه نداشته است). در اروپای غربی گاه حتی مشاهده شده است که ناشران، ابتدا کار خود

را در زمینه نشر از مجله آغاز کرده‌اند و سپس به کتاب پرداخته‌اند. اگر «تصویر» خود را به بسیاری از انواع دیگر نشریات ادواری کاملاً تحمیل کرده است و حتی گاه نشریات از قواعد تصویر تبعیت می‌کند، جای تصویر در مجلات دانشگاهی و فرهنگی خالی یا تقریباً خالی است. در خیلی از موارد نحوه عرضه و شکل خارجی، قطع، صفحه‌بندی، آرایش جلد، و بسیاری از خصوصیات فیزیکی دیگر این نوع نشریات نیز کاملاً شبیه کتاب است. حتی در خیلی از کشورهای صنعتی نیز دولت به این نوع مجلات کمک مالی (به شکل‌های گوناگون) می‌کند.

«بتری» و همکارانش (Ibid) گونه دیگری از تقسیم‌بندی را نیز عرضه می‌کنند، که شاید با طبقه‌بندی قبلی هماهنگ نباشد، اما باتوجه به آن می‌تواند بیان‌کننده پاره‌ای دیگر از واقعیات باشد. این طبقه‌بندی بیشتر بر اساس نشریات ادواری موجود در کشورهای اروپای غربی تنظیم شده و ملاک آن اساساً «منشأ» نشریات است: الف - نشریات صرفاً اداری مانند روزنامه رسمی کشور یا بولتنهای اداری که معمولاً از سوی برخی از وزارتخانه‌ها منتشر می‌شود، مانند آمار بازرگانی خارجی کشور، نشریات آماری بانک مرکزی و ... اغلب حاوی مقررات، اخبار یا آمارهای خام و رسمی هستند.

ب - نشریات متعلق به حوزه‌های مختلف اطلاعاتی که می‌توانند انواع زیادی داشته باشند عبارتند از:

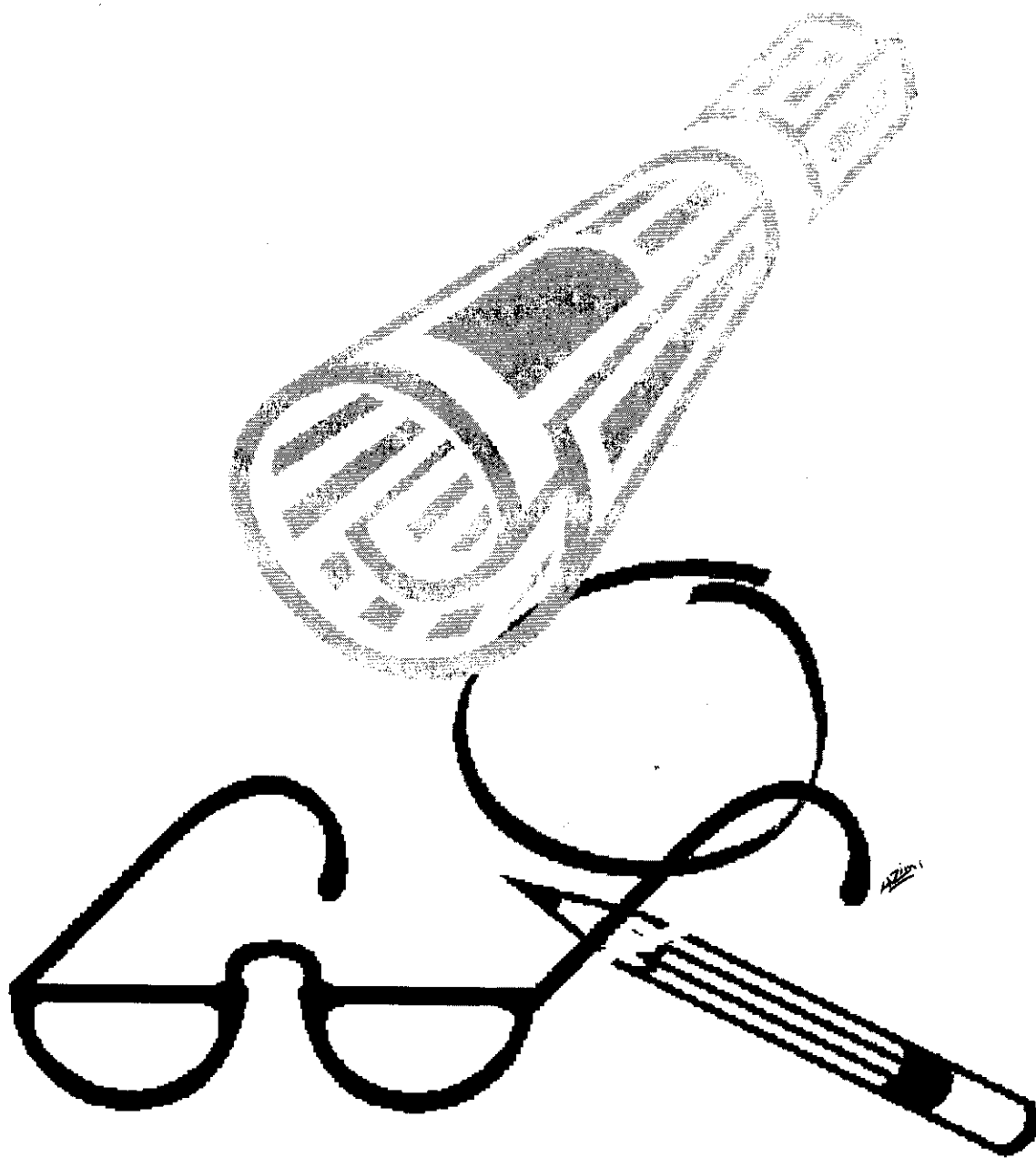
۱- نشریات علمی و فنی که معمولاً از سوی مؤسسات آموزش عالی، دانشگاهها و مؤسسات پژوهشی منتشر می‌شوند و مخاطبان آنها معمولاً گروههای خاص حرفه‌ای هستند. در این نشریات آنچه معمولاً منتشر می‌شود عبارتند از: مقالات نظری، گزارشهای پژوهشی، گزارشهای موارد خاص تجربی، تجزیه و تحلیل آثار و نوشته‌های تخصصی، مقالات تحلیلی یا تفسیرها و تجزیه و تحلیل‌های وقایع علمی و پژوهشی.

۲- نشریات وابسته به کارخانجات و واحدهای بزرگ صنعتی، سندیکاها، یا انجمنها. برخی از واحدهای بزرگ تجاری یا صنعتی بولتنهایی را منتشر می‌کنند که معمولاً جنبه تجاری - اطلاعاتی دارند و گاه در باجه‌های روزنامه‌فروشی نیز قابل دسترس نیستند و فقط برای مؤسسات یا افراد خاصی ارسال می‌شوند. گاه حتی توزیع این نشریات نیز رایگان است یا مبلغ بسیار مختصری دارد که فقط شامل تمام یا بخشی از هزینه‌های چاپ می‌شود.

۳- نشریات رایگان. این نوع نشریات ادواری که گاهی دارای آگهیهای محلی نیز هستند غالباً جنبه تجارتي در سطح محدود دارند و ابعاد اطلاعاتی آنها معمولاً ضعیف است و از حد معرفی برنامه‌های تلویزیونی یا مقالات کوچک درباره برخی از مسائل عملی زندگی روزمره یا سفر به نقاط مختلف فراتر نمی‌رود. این نشریات در اغلب شهرهای بزرگ کشورهای صنعتی به‌طور رایگان در اختیار همگان قرار دارد یا گاهی در منازل و اماکن عمومی توزیع می‌شود.

## ۳. کارکردهای نشریات ادواری

نشریات ادواری دارای کارکردهای متفاوتی هستند، هرچند که



مذهبی هستند. گروه‌های مختلف دارای گرایش‌های خاص در حوزه‌های مذکور (مثلاً کسانی که به یک حزب یا گروه سیاسی معین تعلق دارند) می‌توانند ناشر عقاید خاص باشند. البته این گرایش تنها از سوی گروه‌هایی که وابستگی ایدئولوژیکی مشخصی دارند، صورت نمی‌گیرد، بلکه خوانندگان دارای سلیقه‌های خاص در حوزه‌های بالا نیز به این نوع نشریات گرایش و در تقویت این نوع پیوندها نقش دارند.

**ج - کارکرد تفریحی:** اگر برخی از نشریات حاوی اطلاعات کامل درباره کار و فعالیت با اشیا یا دستگاه‌های خاص هستند و به‌طور خلاصه مشوق به «کار» هستند، هدف برخی دیگر نیز استراحت، تفنن، یا آرامش و تفریح است. خواندن انواعی از مطبوعات و به‌یژه مجلات هفتگی یا ماهانه به‌طور سستی با زمانهای آزاد یا استراحت و تفریح افراد گره خورده است. البته برخی از مجلات نیز به‌گونه‌ای انحصاری به نقش تفریحی وابسته شده‌اند

معمولاً نشریات می‌توانند ایفاکننده چند نقش در یک دوره زمانی خاص باشند یا نقش آنها در طول زمان دگرگون شود این کارکردها عبارتند از (Ibid, p,54-6):

**الف - کارکرد اطلاعاتی:** جمع‌آوری، انتخاب، عرضه و توزیع اخبار و اطلاعات که در مجموع امور و مسائل جاری را در حوزه‌های مختلف به‌وجود می‌آورد از مهمترین وظایف روزنامه‌نگاران است. این اطلاعات می‌توانند جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، ورزشی و تاریخی داشته باشند. نشریات ادواری نقش واسطه را میان امور و اطلاعات جاری و مردم یا اجتماع برعهده دارند.

**ب - کارکرد ایدئولوژیکی:** انتخاب و عرضه اموری که جزء اطلاعات جاری به‌شمار می‌آیند بی‌تردید در رابطه با ضابطه‌ها و خط‌مشی‌هایی صورت می‌گیرد که اصطلاحاً «خط فکری» نشریه خواننده می‌شود. این ضابطه‌ها سیاسی، ایدئولوژیکی، فرهنگی، و

(داستانهای مصور، مجلات فکاهی، مجلات سینمایی و ...). برخی دیگر ویژه گروههایی است که به فعالیتهای ذوقی خاصی گرایش دارند (عکس، تمبر، ماشین و ...). اما برخی از مجلات معمولی و گاه بسیار جدی و تخصصی هم گاهی دارای بخش خاص ذوقی و تفریحی (مانند کارتن، کاریکاتور، جدول، شطرنج) هستند.

**د- کارکرد اجتماعی:** نشریات ادواری با آگاه کردن فرد، هم عقاید او را در زمینه‌های مختلف اجتماعی درگیر و هم احساس تعلق او با جامعه را تقویت می‌کنند و این نقشی است که غالباً در مطبوعات از آن با عنوان «مشارکت اجتماعی» یاد می‌شود. افراد با نامه نوشتن برای مجلات و مشاهده درج آن (مانند بخش نامه‌های دریافتی که در اغلب مجلات مشاهده می‌شود) با هیئت تحریریه، مدیریت مجله و نیز نویسندگان تبادل فکری می‌کنند و نقش اجتماعی ویژه‌ای را عهده‌دار می‌شوند. در بخش معرفی و نقد کتاب که در اغلب مجلات علمی نیز مشاهده می‌شود عملاً پای یک رسانه دیگر (کتاب) هم به مجله کشیده می‌شود. در مجلات، سمینارها و گردهم‌آنیهای مختلف نیز مطرح می‌شود. هیئت تحریریه مجله می‌تواند خوانندگان خود را بشناسد، با آنها رابطه برقرار کند و گاه آنها را در ردیف نویسندگان دائمی خود قرار دهد.

**ه- کارکرد تجاری:** نشریات ادواری غالباً دارای نقش بازرگانی و تجاری نیز هستند، چرا که به معرفی کالاها، کتابها، مجلات، خدمات و ... می‌پردازند و به این ترتیب تقاضا ایجاد می‌کنند، مدهای جدید را در حوزه‌های مختلف معرفی و بالاخره مردم را به خرید تشویق می‌کنند. ساده‌ترین چیزی که در مجلات علمی هم گاهی مشاهده می‌شود معرفی کتاب است.

**و- کارکرد فرهنگی:** نقش فرهنگی نشریات ادواری نیز بسیار مهم است. مجلات می‌توانند نقش عمده‌ای در پرورش ذهنیت افراد داشته باشند و دانش آنان را در حوزه‌های مختلف توسعه دهند. با طرح مباحث نظری و ارائه دیدگاههای مختلف جهان‌بینی خوانندگان توسعه و فضای اجتماعی که در برابر آنان قرار دارد گسترش می‌یابد.

#### ۴. ویژگیهای مجله علمی

مجله علمی (La revue) گونه خاصی از مجله است و نشریه کتابخانه ملی ایران (اصطلاحنامه کتابداری) مجله (Magazine) را اینگونه تعریف می‌کند، تعریفی که بالنسبه جامع است: «نشریه‌ای با عنوان مشخص که به صورت شماره‌ها یا جزوه‌هایی پیاپی با فاصله زمانی منظم برای مدت نامحدود منتشر می‌شود و حاوی مقالاتی درباره موضوعهای مختلف از نویسندگان مختلف است. مجله ممکن است برای عامه مردم تهیه شود و یا اختصاص به موضوع خاص یا گروه معینی داشته باشد. فاصله زمانی شماره‌های یک مجله معمولاً بیش از سالی یک شماره است» (سلطانی و ...، ص ۲۷۱).

مجلات علمی در گروه مطبوعات ادواری قرار می‌گیرند و مطبوعات ادواری به انواع گوناگون دیگری مانند مجلات اطلاعاتی، اقتصادی و مالی، ورزشی، زنان، جوانان، نوجوانان،

تفریحات، حرفه‌ای، فنی، و ادبیات، سینما، و بالاخره انواع هنرها تقسیم می‌شود. مجله علمی رسانه انتقال اطلاعات، مطالعات و پژوهشهای علوم است. «پیر آلبرت» (Pear Albert) پژوهشگر مسائل مطبوعاتی فرانسه معتقد است که مجله علمی (Revue) به مفهوم اعم نشریه‌ای ماهانه یا سه‌ماهه است که معمولاً در قطع کتاب است، عکس و تصویر در آن نقش فرعی دارد، دارای مقالات تئوریک، معرفی و نقد کتاب، و سطح بالای عملی است (Albert, 1989).

در ایران «کمیسیون بررسی نشریات علمی» وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در آیین‌نامه‌ای که در تاریخ ۷۳/۱۰/۳ به تصویب رسیده است، مجله علمی را مجله‌ای می‌داند که دارای اهداف زیر باشد (وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۷۳):

۱- کمک به ارتقای سطح فرهنگی و دانش علمی و فنی متخصصان، کارشناسان و دست‌اندرکاران و علاقه‌مندان در یکی از رشته‌های فنی و مهندسی، کشاورزی، منابع طبیعی، علوم پایه، علوم انسانی، هنر یا در ارتباط با مسائل خاص توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به صورت چند رشته‌ای یا میان‌رشته‌ای.

۲- کمک به ایجاد ارتباط میان مراکز آموزشی، علمی و تحقیقاتی و همچنین میان پژوهشگران و کارشناسان به منظور انتقال و تبادل آموخته‌ها و تجربیات و کسب دستاوردهای تازه علمی.

۳- کمک به مسئله‌یابی و حل مسائل علمی و فنی در ارتباط با تنگناهای توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور.

۴- کمک به توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور در زمینه فعالیتهای موردنظر از طریق نقد و بررسی برنامه‌ها و طرحهای تحقیقاتی، تولیدی و خدماتی و نحوه اجرای آنها.

ویژگیهای مذکور در قالبی کلی اهداف و رسالت فرهنگی یک مجله علمی را از دیدگاه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مشخص می‌کند، اما نمی‌تواند ما را در شناخت ویژگیهای عمومی این مجلات یاری کند. می‌دانیم که آیین مذکور شامل همه مجلات علمی نمی‌شود و فقط انواع خاصی از آن را دربر می‌گیرد. اما وقتی به ضوابط پذیرش مجله برای طرح کمیسیون نشریات علمی نگاه کنیم به جنبه‌های دیگری از ویژگیهای موردنظر اشاره می‌کند که تا حدودی مبین تعریف مجله علمی از دیدگاه فوق است.

از مهمترین ویژگیهای مجله علمی نشر ادواری آن است. بر اساس دائرةالمعارف فرانسوی «Quillet» مجله علمی در تاریخهای ثابت منتشر می‌شود و معمولاً تخصصی است. این مجلات یا دارای اهداف تخصصی هستند (مجلات که فقط خاص مشترکان است)، یا اهداف عامه فهم کردن معلومات تخصصی، یا هدف آنها اطلاع‌رسانی است. دائرةالمعارف مذکور تصریح می‌کند که مجلات ادبی، شاعرانه و حتی علمی همچنین تریبون جنبشها و افکار نوین هستند و سعی می‌کنند خوانندگان را با این‌گونه آثار آشنا سازند (Dictionnaire..., p. 5869).

بر اساس تعریف «دیکسیونر ارتباطات» مجله علمی، مجله‌ای است که معمولاً کم‌تصویر است و حاوی مقالات تحلیلی و گردآوری، معرفی و گزارش آثار علمی و ادبی برخوردار از سطح

علمی نسبتاً بالاست و موضوع این مجلات می‌تواند در حوزه‌های ادبی، علمی یا تاریخی باشد (Truxillo, p.437)

کارشناسان کتابشناسی یونسکو، معتقدند نشریاتی علمی تلقی می‌شوند که به نشر منظم نتایج مطالعات و تحقیقات و مقالات اصیل دانشگاهیان یا متخصصان رشته‌های مرتبط می‌پردازند. این تعریف بنابراین در ابتدا تمامی نشریاتی را که به انتشار اطلاعات خام (هرچند مفید در علوم مختلف)، اما فاقد مطالعات نظام‌مند مبتنی بر روش‌های علمی) می‌پردازند، از فهرست حذف می‌کند. براساس این تعریف عملاً تمامی روزنامه‌ها، مجلات، هفته‌نامه‌ها و نشریات مشابه معمولی از این فهرست حذف می‌شوند، حتی اگر این نشریات حاوی مقالاتی باشند که متخصصان علوم مختلف نوشته‌اند. معمولاً مجلاتی در فهرست نشریات علمی قرار می‌گیرد که مقاله‌های آن اکثراً دارای نام نویسنده است و این رویه‌ای است که در مجلات علمی متداول است، چرا که موضوع با امر مالکیت علمی در رابطه قرار می‌گیرد. یونسکو توصیه می‌کند مجلاتی را که محتوای آنها مطالب علمی ترجمه شده از زبانهای دیگر یا چاپ مجدد آن مطالب است در این فهرست قرار گیرند، همانند مجلاتی که هدف آنها بیشتر تبلیغ یا اشاعه و آشکارسازی عقاید یا ایدئولوژیهای گوناگون است تا توسعه شناخت علمی. نشریاتی که حالت تخصصی دست دوم دارند یعنی نشریات ادواری اطلاع‌رسانی یا کتاب‌شناسی که حاوی نمایه‌های علمی هستند یا گزارشهای تحلیلی و نقدها را نیز تهیه می‌کنند بر این فهرست باید افزود (Unesco, P.116).

باتوجه به ویژگیهایی که از مجله علمی مورد بررسی قرار دادیم می‌توانیم نتیجه بگیریم که این نشریات ادواری خوانندگان خاص و به‌طور کلی محدودی دارد (حتی درباره مجلات علمی خاص توده مردم نیز که عمومی به حساب می‌آیند و همان‌طور که «علم» از «غیرعلم» بر اساس روش شناخته می‌شود و نه بر اساس موضوع، مجله علمی هم از غیرعملی (عمومی) بر همان اساس (روش علمی) شناخته می‌شود. در مجله علمی اکثر مقالات براساس الگوهای مقاله‌نویسی علمی نوشته می‌شوند که عبارتند از: مستند بودن، برخورد علمی با امور و پدیده‌ها و تجزیه و تحلیل نظام‌مند پدیده‌ها.

##### ۵. پیشینه بررسی

به‌رغم این واقعیت که مجله علمی از لوازم اولیه فعالیت در مشاغل علمی است، که البته از جنبه علمی کمترین اعتنایی به این موضوع نشده است. فهرست ارتباطات که تا سال ۱۳۷۲ در ۲ مجلد منتشر شده است و تمام دوره تاریخی مطبوعات ایران را دربر می‌گیرد، حاکی از آن است که در رابطه با عناوین مرتبط با مسایل مجلات علمی فقط ۴ مقاله در مطبوعات کشور به چاپ رسیده است (محسنیان راد).

واقعیت آنست که در ایران موضوع مجلات علمی تاکنون به‌طور مستقل بررسی نشده و مطالبی که در این زمینه به زبان فارسی موجود است، به یک رساله دانشگاهی و چند مقاله در مجلات محدود است، اما مطالعه مجله به‌طور عام و گاه مطالعه

مجلات علمی در پاره‌ای از بررسیها اشاره شده است که در زیر به اهم این موارد اشاره خواهیم کرد (محسنی، ص ۴).

از اولین مطالعاتی که درباره موضوع مطالعه مجله است، بررسی پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران در سال ۱۳۵۳ است (اسدی و محسنی، ۱۳۵۶). در این بررسی در کنار سایر وسایل ارتباط جمعی، به مقوله مطالعه مجلات نیز توجه شده است (مجله از هر نوع) و هر چند که یافته‌های این بررسی کمک قابل توجهی به موضوع مطالعه مجلات علمی نمی‌کند، اما ضروری است اشاره کنیم که ۳۳٪ از پاسخگویان باسواد هرگز مجله مطالعه نمی‌کردند، ۱۲٪ به‌ندرت، ۲۶٪ هر هفته، ۹٪ غالب هفته‌ها و ۱۷٪ بعضی از هفته‌ها. پاسخگویان این بررسی افراد خانواده‌های معمولی ساکن در مناطق شهری و روستایی کشور بوده‌اند و بر اساس نتایج آن میزان مطالعه مجله در میان جوانان و زنان بیش از سایرین بوده است.

پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران در بررسی سال ۱۳۵۸، به موضوع مطالعه مجله در قلمرو بررسی گرایشهای فرهنگی و نگرشهای اجتماعی در ایران (شهر تهران) را مورد توجه قرار داده است. این بررسی نشان داده که در سال مذکور میزان مطالعه مجله از روزنامه کمتر بوده است و تنها ۴۶٪ از افراد مجله می‌خواندند. در این بررسی به استثنای مجله دانشمند (که ۳٪ خواننده داشته است) همه مجلات از نوع عمومی بوده‌اند (محسنی، ص ۴).

در بررسی «بهره‌مندی شهروندان تهرانی از مطبوعات» که به سفارش «مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها» در سال ۱۳۶۸ انجام شد مطالعه مجلات نیز از سوی خوانندگان مورد عنایت قرار گرفت. در این بررسی کسانی که چند مجله علمی عمومی (دانستنی‌ها، دانشمند، اطلاعات علمی، فاراد) را مطالعه می‌کردند، از نظر پاره‌ای از ویژگیهای اجتماعی نیز بررسی شدند. نتایج بررسی نشان داد که مطالعه این مجلات تحت تأثیر شدید دو متغیر سطح سواد و جنسیت پاسخگویان قرار دارد. نسبت مطالعه مجلات علمی در جامعه مورد بررسی برابر با ۴۲/۲٪ بوده است (همان، ص ۵).

در سال ۱۳۷۰ «بررسی عوامل مؤثر بر انتشار نشریات علمی در ایران» موضوع یک رساله کارشناسی ارشد (به راهنمایی دکتر باقر ساروخانی و پژوهشگری آقای علی اصغر کیا) بود. در این رساله پژوهشگر ۱۰ فرضیه مختلف را در زمینه انتشار یا عدم انتشار مجلات علمی (که از طریق بررسی مستقیم دیدگاههای ۸۰ نفر از مدیران مجلات فراهم آمده است) مورد آزمون قرار داد و نتیجه گرفت: توانایی مالی صاحب امتیاز نشریات علمی، تیراژ نشریه، تطابق رشته تحصیلی صاحب امتیاز و آشنایی صاحب امتیاز با جریان نشر، رابطه‌ای با انتشار یا عدم انتشار مجله ندارد؛ بلکه دسترسی به امکانات، میزان کسب اطلاعات نوین علمی، توانایی در توزیع نشریات، سود حاصله از فروش، میزان حمایت انجمنهای علمی و مؤسسات دولتی، عدول از موازین سیاسی و بالاخره نداشتن نیروی انسانی متخصص و هیئت تحریریه با انتشار یا عدم انتشار مجله در رابطه است (همان).

از جمله کارهای پژوهشی که در آن به مجلات علمی نیز توجه شده است، «مطالعه وضعیت کمی تولید اطلاعات علمی اعضای هیئت علمی دانشگاه پزشکی تبریز (۱۳۷۴-۱۳۶۷)» است که در سطح یک رساله کارشناسی ارشد است و در آن از نقش ۳۶۴ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه مذکور در تدوین مقاله علمی صحبت شده (در کنار کتاب و تحقیق) و نشان می‌دهد که قسمت اعظم فعالیت‌های آنان تولید مقاله بوده است (بیگللو، ص ۷۶-۱۳۷۶).

در بررسی آگاهیه‌ها، نگرشها، و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران نیز که در سال ۱۳۷۴ صورت گرفت، مطالعه مجلات مورد توجه قرار گرفت. این بررسی که در میان خانوارهای ساکن در ۱۵ شهر ایران انجام شد، نشان داد که فقط ۸/۴٪ از گروه مورد بررسی در شمار مطالعه‌کنندگان کم‌ویش منظم مجلات ایرانی (از هر نوع) محسوب می‌شوند و عده‌ای (حدود ۴۶٪) اظهار داشتند که اساساً مجله نمی‌خوانند. نسبت کسانی که دائماً یا گاهی مجله می‌خوانند برابر با ۲۶٪ و نسبت مطالعه مجله در تهران از سایر شهرستانها بیشتر بود (۹۳٪ در مقابل ۶/۸٪) بر اساس این بررسی مطالعه مجله تحت تأثیر موقعیت طبقاتی پاسخگویان قرار دارد، چرا که نسبت مطالعه زیاد در طبقه پایین ۲/۹٪، متوسط ۱۰/۲٪ و بالا ۱۴/۹٪ است (تفاوت بسیار زیاد طبقه پایین با دو طبقه دیگر). این بررسی نشان می‌دهد که نسبت مطالعه مجله در میان زنان بیشتر از مردان است (همانند بررسی سال ۱۳۵۳)، به موازات افزایش سن از مطالعه مجله کاسته می‌شود، مجردان (اغلب جوانان) بیش از متأهلان مجله می‌خوانند، و با افزایش سطح سواد و درآمد خانوار بر نسبت مطالعه مجله افزوده می‌شود (همان، ص ۶).

در یکی از رساله‌های دوره کارشناسی ارشد (سال ۱۳۷۶) که تحت عنوان «بررسی موانع توسعه علمی ایران و نقش تعدیلی مطبوعات» تدوین شده به تأثیرات مطبوعات علمی در توسعه علمی کشور اشاره شده است (صحرائی، ۱۳۷۶).

در حوزه مطبوعات ایران در عین حال شاهد انتشار ۲ مجموعه متفاوت هستیم که درباره مجلات علمی نیز اطلاعاتی را (درحد راهنما و فهرست) ارائه می‌کنند. این دو مجموعه عبارتند از «راهنمای مطبوعات ایران» (قاسمی، ۱۳۷۲) که تاکنون در ۲ جلد از سوی مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها انتشار یافته است و دومی که با عنوان «راهنمای روزنامه‌ها و مجله‌های ایران» به شیوه‌ای کم‌ویش مستمر توسط کتابخانه ملی ایران منتشر می‌شود (سلطانی و اقتدار، ۱۳۷۶).

مجله «رهیافت» (فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی) که از سوی «شورای پژوهش‌های علمی کشور» منتشر می‌شود در طول سالهای انتشار، گاه به موضوعات مرتبط با مجلات علمی کشور در قالب مصاحبه یا گزارش توجه کرده است. این مجله همچنین شماره هشتم (رهیافت، ۱۳۷۴) خود را به ویژه‌نامه مجلات علمی اختصاص داده است، که در آن به برخی از ابعاد موضوع در چندین مقاله توجه شده است.

از جمله مقالات تحلیلی که با دقتی در خور توجه درباره شرایط وسایل مجلات علمی ایران تدوین شده مقاله‌ای است که در

سال ۱۳۷۵ توسط آقای «علی سینایی» تحت عنوان «مجلات علمی در ایران» در کنار یک مجموعه مقالات درباره مطبوعات ایران به چاپ رسیده است. در این مقاله نویسنده ضمن ارائه فهرستی از تمامی مجلات علمی کشور در حوزه‌های مختلف علم و ادب و هنر، زمینه‌ها و مسایل خاصی را درباره مجلات علمی از نظر دوره انتشار، تیراژ، حوزه علمی، کیفیت، و مراکز تولید تجزیه و تحلیل کرده است که به نظر می‌رسد تنها مقاله در این زمینه در نوع خود باشد (سینایی، ۱۳۷۵).

## ۶. هدف کلی و اهداف اختصاصی

به‌طور خلاصه هدف کلی این طرح را در سه بُعد تولیدکنندگان، محصولات تولیدشده، خوانندگان و به‌عبارت دقیق‌تر گردانندگان و به‌وجودآوردندگان، خود مجلات بر اساس آنچه که تولید شده است، و خوانندگان تخصصی (دست‌کم گروه کثیری از مخاطبان اصلی مجلات علمی تخصصی) می‌توانیم در شناخت ویژگیها، چگونگیها، رابطه‌ها و پیوندها و مسایل حاکم بر این فرایند (اعم از تولید و مصرف) بدانیم که مشخصاً آنها را در قالب اهداف اختصاصی به شرح زیر مورد شناخت قرار داده‌ایم:

- ۱- شناخت نوع مجلات از نظر زمینه موضوعی و در رابطه با رشته‌های دانشگاهی،
- ۲- شناخت انواع اصلی مجلات علمی از نظر طبقه‌بندی کیفی،
- ۳- شناخت توزیع جغرافیایی مجلات از نظر محل انتشار،
- ۴- آگاهی از ویژگیهای فیزیکی مجلات علمی،
- ۵- شناخت ساختار کلی مطالب مندرج در مجلات علمی،
- ۶- شناخت انواع اصلی مطالب مندرج در مجلات علمی،
- ۷- شناخت مؤلفان مقالات از نظر تعداد و جنسیت در رابطه با گروه موضوعی مجلات،
- ۸- شناخت مسئولان مجلات از نظر جنسیت و در رابطه با نوع موضوعی مجلات،
- ۹- شناخت نوع وابستگی سازمانی مجلات علمی،
- ۱۰- شناخت وضع مجلات علمی از نظر نیروی انسانی و امکانات،
- ۱۱- شناخت وضع مجلات علمی از نظر تیراژ، اشتراک، و فروش،
- ۱۲- شناخت نظم انتشار مجلات علمی،
- ۱۳- شناخت منابع مالی مورد استفاده مجلات علمی،
- ۱۴- آگاهی از دیدگاههای مسئولان مجلات درباره میزان اهمیت مشکلات مختلف،
- ۱۵- آگاهی از ارزیابی شخصی مسئولان مجلات از مجله تحت مدیریت آنان،
- ۱۶- آگاهی از پیشنهادات مسئولان مجلات در زمینه ارتقای سطح مجلات علمی،
- ۱۷- بررسی نقش انجمن‌های علمی در انتشار مجله علمی و مقایسه آنها با دیگر ناشران،
- ۱۸- بررسی نگرش مسئولان مجلات در زمینه دستیابی و حرکت در مسیر اهداف تعیین شده،

۱۹- آگاهی از پیشنهادات مسئولان مجلات درباره ضوابط طبقه‌بندی مجلات مورد استفاده وزارت علوم، تحقیقات و فناوری،  
۲۰- شناخت نگرش خوانندگان در زمینه اهداف مجلات علمی،

۲۱- شناخت نگرش خوانندگان در زمینه خصوصیات مجلات علمی،

۲۲- شناخت وضع خوانندگان از نظر دسترسی مجلات علمی،  
۲۳- شناخت جایگاه کتابخانه در مطالعه مجله،

۲۴- شناخت میزان رضایت خوانندگان از مجلات،

۲۵- شناخت میزان بهره‌مندی خوانندگان از مجلات،

۲۶- شناخت میزان مطالعه مجلات در رشته‌های تخصصی و خارج از آن،

۲۷- شناخت سطح مشارکت خوانندگان با مجلات علمی از نظر نوشتن مقاله،

۲۸- شناخت ارزشیابی کلی خوانندگان در زمینه سرعت انتشار، محتوا، سطح علمی و عوامل مؤثر بر رشد مجلات علمی در کشور،

۲۹- شناخت اقدامات پیشنهادی خوانندگان مجلات علمی به منظور ارتقای وضع مجلات علمی،

۳۰- اطلاع از مقایسه نسبی خوانندگان درباره سطح علمی کتاب و مجله در رشته تخصصی آنان،

۳۱- ارزشیابی کلی خوانندگان از وضع مجلات علمی کشور از نظر کیفی،

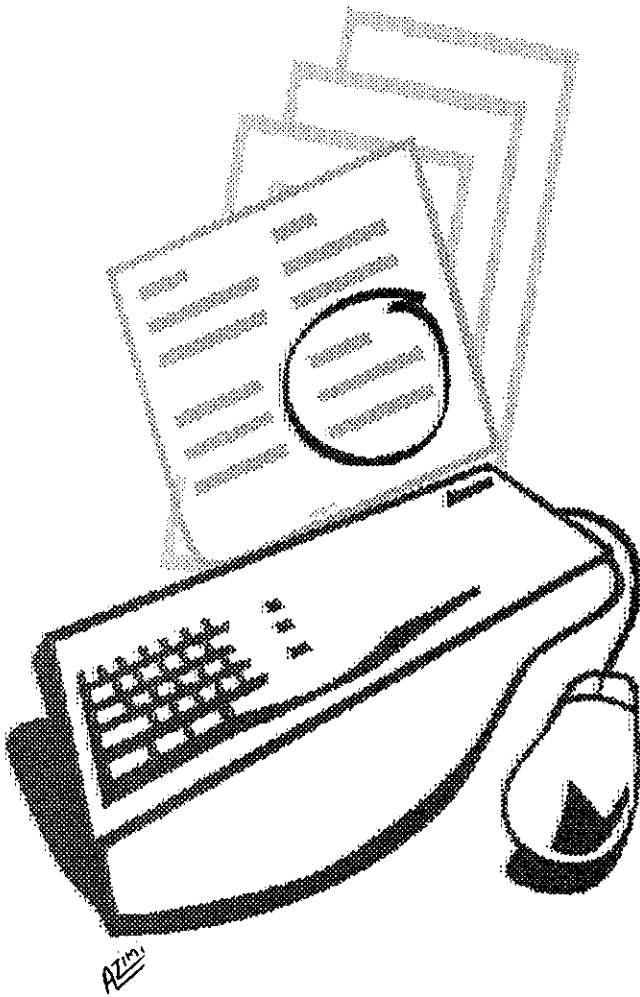
۳۲- شناخت ارزشیابی خوانندگان از نظر محتوا، تازگی مطالب، نظم انتشار، اعتبار علمی و کیفیت چاپ مجلاتی که نسبت به آنها شناخت دارند.

با اینکه تقریباً در موارد بالا دست‌کم دو متغیر (قلمرو موضوعی و نوع وابستگی سازمانی) به‌عنوان متغیرهای مستقل فرض شده است و عنداللزوم از متغیرهای دیگری نیز استفاده شده است و می‌توان از این دیدگاه‌ها به‌عنوان فرضیات خاص ذکر کرد؛ اما ترجیح، این است که هدف این مطالعه را در حوزه شناخت بنیادی موضوع محدود کنیم و زمینه را برای طرح فرضیات در مطالعات بعدی فراهم سازیم.

تدوین مطالب و جدول‌بندی‌های گزارش به‌گونه‌ای صورت گرفته است که در آن در تجزیه و تحلیل وضع خوانندگان و گرایشها، عقاید و رفتارهای آنان دست‌کم با استفاده از سه متغیر سن (با کنترل جنس)، موقعیت دانشگاهی، و گروه‌های ششگانه آموزشی صورت گیرد، و از سوی دیگر خود مجلات برپایه دو متغیر گروه‌های هفتگانه موضوعی (مشابه گروه‌های آموزشی بالا) و نوع وابستگی سازمانی (ناشر) مورد آزمون قرار گیرند. با این حال در مواردی از سایر متغیرها نیز استفاده شده است.

## ۷. روش بررسی

باتوجه به ماهیت خاص این طرح و اهداف ویژه آن و نیز توجه به این واقعیت که در این زمینه تاکنون مطالعه گسترده‌ای صورت نگرفته، در این بررسی با محور قراردادی پژوهش میدانی از روش



توصیفی - مقطعی به‌منزله روش اصلی این مطالعه استفاده شده است. در پرتو این روش، اساساً حوزه‌های مورد اشاره در بخش اهداف اختصاصی مدنظر بوده و در رابطه با چند متغیر ویژگی‌های خوانندگان یعنی سن، جنس، گروه آموزشی و موقعیت علمی - آموزشی از یک سو، و دو متغیر مرتبط با مجلات علمی یعنی گروه موضوعی و نوع وابستگی سازمانی (ناشر) از سوی دیگر بررسی شده‌اند. بدیهی است در کنار این روش اصلی، از مشاهدات اسنادی (مراجعه به مدارک و اسناد) نیز در دو سطح استفاده شده است، یعنی هم در تحلیلهای موضوعی مباحث تئوریک (مانند نقش رسانه‌های علمی) و هم بررسی زمینه‌های تاریخی و به‌طور کلی بازگشت به پیشینه علمی مباحث. به‌کارگیری مطالبی از بخش اظهارنظرهای آزاد در پرسشنامه‌ها نیز بخشی از مستندات است، البته با این قید که این موارد فقط بیان مطالب به‌گونه‌ای انفرادی است و نمی‌توان از این‌گونه مطالب به‌طور کلی و جمعی نتیجه گرفت.

## ۸. تعیین جامعه آماری و حجم نمونه

باتوجه به اینکه در این بررسی سه جامعه آماری متفاوت وجود



دارد، یعنی مجلات علمی تولیدکنندگان آن از یک طرف و خوانندگان مجلات از سوی دیگر، بر آن شدیم که مجلات علمی را با استفاده از روش سرشماری بررسی کنیم و تمامی مجلاتی که از سال ۱۳۷۵ به بعد (تا اسفند ماه ۱۳۷۷) دست کم یک شماره از آنها در داخل کشور منتشر شده است در جامعه آماری مورد بررسی وارد شدند. بر این اساس تعداد ۴۲۷ مجله بررسی شدند. درباره خوانندگان، از آنجا که در جامعه دانشگاهی مجلات علمی کاربرد خاصی دارند و از نظر توسعه کیفی آموزش عالی مورد تأکید قرار دارند، تصمیم گرفتیم که اعضای هیئت علمی و دانشجویان به منزله یک جامعه آماری خاص مطالعه شوند، هر چند که سایر گروهها نیز از این مجلات استفاده می کنند. لازم به ذکر است که اساساً خواندن مطالب علمی از طریق روزنامه‌ها، هفته‌نامه‌ها و مجلات عمومی نیز در سطح جامعه مطرح است که البته موضوعی مستقل است و باید به شیوه خاص خود و به‌طور مستقل بررسی شود.

برای برآورد حجم نمونه از میان خوانندگان جامعه دانشگاهی از فرمول  $n = \frac{Z^2 P(1-P)}{d}$  استفاده و در این فرمول خطای نمونه‌گیری  $d = 1/95$ ، سطح اطمینان  $(Z = 1/96)$ ، و دست کم پاسخ به چند سؤال اصلی  $P = 5\%$  محاسبه کردیم. ملاک محاسبه مقدار  $P$  نتایج آزمون اولیه پرسشنامه خوانندگان (پرسشنامه شماره ۳) در میان ۸۰ نفر دانشجویان و اعضای هیئت علمی قرار گرفت. بر این اساس تلاش ما مبتنی بر این بود که بتوانیم از اطلاعات خاص این بررسی در تعیین حجم نمونه مورد نیاز استفاده کنیم. با قراردادن مقادیر مذکور در فرمول حجم نمونه، به تعداد ۱۸۲۴ نفر دست یافتیم که این عده در حقیقت جامعه خوانندگان مورد بررسی ما در این مطالعه هستند که از میان خوانندگان دانشگاهی (اعم از دانشجویان و اعضای هیئت علمی) انتخاب شدند و سرانجام به علت ضرورت‌های نمونه‌گیری و حصول دقت بیشتر تعداد آنان به ۱۹۶۲ نفر افزایش یافت.

## نتایج تحقیق

نتایج این تحقیق بسیار مفصل و گسترده است. از این رو آنچه که در اینجا می‌آید صرفاً فشرده و چکیده نتایجی است که در اصل گزارش به‌طور مبسوط بیان شده است. این مطالب درباره سازمان و مدیریت، اقتصاد مجلات، نویسندگان و مترجمان، محتوای مجلات، نظم انتشار، مطالعه مجلات، ارزشیابی مجلات و همین‌طور مسائل و مشکلات تولید و نشر نشریات علمی - تخصصی است که به ترتیب در زیر آمده است.

### ۱. سازمان و مدیریت مجلات

۱- دولت به شکل مستقیم یا غیرمستقیم بالاترین نقش را در تولید و نشریات مجلات علمی در کشور دارد و براین اساس می‌توان گفت مجلات علمی کشور ما اساساً حالتی دولتی دارند.

۲- سهم بخش خصوصی در نشر مجله علمی در ایران در حدود ۲۳٪ است.

۳- مدیران بخش خصوصی مجلات نگرش مثبتی نسبت به مجلات دولتی ندارند.

۴- سهم وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی در گروههای علوم پایه، کشاورزی، و علوم انسانی از نظر نشر مجله علمی بیشتر و در گروههای پزشکی و هنر کمتر است. در حوزه پزشکی دانشگاههای دولتی کارگردان اصلی در نشر مجلات هستند.

۵- سهم ناشران خصوصی در نشر مجله علمی از همه بیشتر است.

۶- در رشته‌های هنری، نهادها و مؤسسات نیمه وابسته و نیز مؤسسات خصوصی نقش اصلی را برعهده دارند و انجمنها و دانشگاهها فعالیت چندانی در این زمینه ندارند.

۷- با اینکه یکی از نقشهای اصلی و تعریف شده انجمنها و نیز مؤسسات پژوهشی نشر مجله است اما اغلب آنها عملاً در این راه چندان فعالیتی ندارند.

۸- اکثر مجلات علمی، به‌ویژه مجلاتی که در سطح سازمانهای دولتی منتشر می‌شوند فاقد سازمان و مدیریت مستقلی هستند و از نظر نیروی انسانی، فضا و تجهیزات پارانه‌بگیر به‌شمار می‌آیند و از این نظر به مدیران وابستگی دارند و به همین علت نیز در بلندمدت بسیار آسیب‌پذیر هستند.

۹- ذکر نام سردبیر و مدیر مسئول در مجلات، عمومیت ندارد و در تعدادی از مجلات حتی نام مدیر مسئول نیز قید نمی‌شود (حدود ۵٪).

۱۰- ۹۱٪ از مدیران مسئول مرده‌هستند و نسبت مدیران زن در گروه پزشکی بیشتر از گروههای دیگر است و حداکثر به ۱۵/۵٪ می‌رسد و در مرتبه بعد گروههای مجلات عمومی و هنر قرار دارند.

۱۱- نسبت مدیران مسئول زن در مجلات وابسته به انجمنها و گروههای تخصصی و نیز دانشگاهها از سایر موارد بیشتر است.

۱۲- نسبت ذکر نام سردبیر از مدیر مسئول کمتر است و در نسبت قابل توجهی از مجلات (۲۳/۴٪) اساساً شخصی به‌نام سردبیر وجود ندارد. البته در مواردی نیز سمت مدیر مسئولی تشریفاتی است و نقش اصلی برعهده سردبیر است.

۱۳- در اغلب مجلات علمی ما نقشهای سردبیر و مدیر مسئول از یکدیگر به‌خوبی تفکیک نشده‌اند.

۱۴- در مجلاتی که از سوی وزارتخانه‌ها یا سازمانهای بزرگ دولتی منتشر می‌شود، معمولاً مدیر مسئول شخص وزیر، معاون، یا رئیس سازمان است.

۱۵- نسبت زنان سردبیر فقط ۴/۲٪ است و نقش آنان در این زمینه در گروههای علوم پایه، هنر، و پزشکی بیش از سایر گروهها و مشارکت آنان به‌عنوان سردبیر در مجلات وابسته به انجمنها و گروههای حرفه‌ای و تخصصی بیشتر است.

۱۶- مجلات علمی ما معمولاً فاقد «ستاد علمی» هستند و از این رو نمی‌توانند تحولات رشته‌ای را بررسی و پیگیری نمایند. به این جهت حالت خنثی و پذیرنده (منفعل) دارند.

۱۷- نسبتی در حدود ۶۰/۷٪ از مجلات علمی کشور فاقد هیئت تحریریه مشخص (با ذکر نام) هستند، هر چند که معمولاً در این مجلات قید می‌شود: «زیر نظر هیئت تحریریه».

۱۸- در گروه‌های هنر، مجلات عمومی، و علوم انسانی نسبت مجلات فاقد هیئت تحریریه از بقیه بیشتر و این نسبت در گروه پزشکی از بقیه کمتر است.

۱۹- میانگین تعداد اعضای هیئت تحریریه ۱۰/۶ نفر است و تعداد آنان از دست‌کم ۲ نفر تا حداکثر ۳۳ نفر در نوسان است.

۲۰- به‌علت اینکه تعدادی از مجلات علمی در هر گروه موضوعی حالتی عمومی دارند و ضرورت اقتضا می‌کند که از هر رشته یا گرایش یک نفر کارشناس وجود داشته باشد، عملاً تعداد اعضا افزایش پیدا می‌کند. در گروه پزشکی تعداد اعضای هیئت تحریریه از همه گروه‌ها بیشتر است (۱۳/۶٪ نفر).

۲۱- عضویت در هیئت تحریریه در مواردی همراه با فعالیت چندانی نیست و بیشتر از نظر جلب همکاری افراد (به‌ویژه افراد ذی‌نفوذ) یا حفظ و تحکیم روابط دوستانه است. افراد سرشناسی در رشته‌های مختلف هستند که در هیئت تحریریه چند مجله حتی متعلق به گروه‌های مختلف موضوعی عضویت دارند.

۲۲- در کنار هیئت تحریریه گروه‌های دیگری نیز با عنوان مشاوران علمی فعالیت دارند که در زمینه‌های خاص به بررسی مقالات می‌پردازند. در مواردی داوری درباره مقالات اساساً برعهده مشاوران است و اعضای هیئت تحریریه هم می‌توانند در آن قالب ایفای نقش کنند، لکن بررسی و تصمیم‌گیری نهایی با هیئت تحریریه است.

۲۳- نحوه مشارکت هیئت تحریریه، مشاوران، سردبیر، و مدیر مسئول با یکدیگر به‌ویژه در مجلات دسته علمی - پژوهشی گاه وضعیت پیچیده‌ای را به وجود می‌آورد که به طولانی شدن فرایند پذیرش و چاپ مقاله می‌انجامد.

۲۴- میانگین تعداد اعضای هیئت تحریریه در مجلات دانشگاهی و مجلات وابسته به وزارتخانه‌ها از دیگر مجلات بیشتر است (بین ۱۲-۱۱ نفر).

## ۲. اقتصاد مجلات

۱- متوسط تیراژ مجلات علمی بر اساس بررسی ما ۴۶۳۴ نسخه اما عدد نما برابر با ۱۰۰۰ نسخه است که به معنی چاپ بیشترین تعداد از مجلات در حداکثر ۱۰۰۰ نسخه است.

۲- متوسط تیراژ در گروه مجلات عمومی از گروه‌های دیگر بیشتر است و به ۹۵۱۵ می‌رسد و حال آنکه در گروه علوم پایه از گروه‌های دیگر کمتر و برابر با ۱۹۴۶ است. در گروه علوم انسانی تیراژ در مرتبه دوم قرار دارد (۷۷۹۵) و سومین رتبه از نظر تیراژ مربوط به گروه پزشکی است (۳۳۳۸) و کشاورزی نیز فاصله کمی با آن دارد.

۳- بالاترین میانگین تیراژ را در مجلات وابسته به بخش خصوصی مشاهده می‌کنیم که برابر با ۶۳۴۱ شماره است و در مرتبه بعد نشریات وابسته به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی قرار دارند (۶۰۷۱ شماره).

۴- ۶۰/۵٪ مجلات با ۳۰۰۰ تیراژ و کمتر و ۲۱٪ با ۵۰۰۱ تیراژ

و بیشتر و در حد وسط ۱۸/۵٪ مجلات از تیراژ ۵۰۰۰-۳۰۰۱ نسخه برخوردارند. بیشترین تیراژ در دسته ۵۰۰۱ نسخه و بیشتر، به مجلات علمی وابسته به افراد و مؤسسات خصوصی تعلق دارد. در تیراژ ۵۰۰۰-۳۰۰۱، مجلات متعلق به مؤسسات نیمه‌دولتی و وابسته و بالاخره در تیراژ ۳۰۰۰ و کمتر مجلات علمی وابسته به دانشگاهها و مؤسسات پژوهشی بیشترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند.

۵- از میان منابع اصلی تأمین هزینه مجلات، در یک معادله همبستگی چند متغیره دو منبع حق اشتراک و تک‌فروشی عوامل تعیین‌کننده سطح تیراژ هستند.

۶- به‌طور تقریبی برای هر دانشجو ۳/۶ مجله وجود دارد و این میزان در گروه هنر از همه بیشتر و برابر با ۵/۷، در گروه علوم انسانی ۴/۸ و در گروه علوم پایه ۰/۶ مجله برای یک دانشجو است. البته این تصویر کلی تئوریک را، اطلاعات دیگری که ما در دست داریم از طریق رفتار واقعی تأیید نمی‌کند.

۷- اکثریت مشترکان داخلی در مرحله اول در شاخص ۵۰۰ نسخه و کمتر و در مرحله دوم بیشترین مشترکان داخلی در شاخص ۵۰۱ نسخه و بیشتر قرار دارند. اقلیت محدودی (۴/۹٪) از مجلات اصلاً مشترک داخلی ندارند، که در این آمار دو گروه هنر و پزشکی به‌ترتیب در شاخص صفر قرار گرفته‌اند. در حالی که سایر گروه‌ها مجلات خود را در دو شاخص اشاره شده فوق توزیع می‌کنند. گروه فنی - مهندسی با اکثریت بالا مقام اول شاخص ۵۰۱ نسخه و بیشتر مشترک داخلی را به خود اختصاص داده است. در شاخص ۵۰۰ نسخه و کمتر گروه علوم انسانی در رأس جدول قرار می‌گیرد.

۸- تنها مجلات وابسته به دو گروه افراد و مؤسسات خصوصی، انجمنها و گروهها، گروههای بدون مشترک نیستند. مجلات وابسته به انجمنها و گروهها سه چهارم مجلات خود را در شاخص ۵۰۱ نسخه و بیشتر توزیع کرده و در این شاخص مقام اول را به دست آورده‌اند. در شاخص ۵۰۰ نسخه و کمتر مجلات وابسته به مؤسسات نیمه‌دولتی و وابسته در مقام اول قرار دارند.

۹- میانگین مشترکان داخلی ۸۹۳ نفر و نمای حاصله ۱۰۰۰ مشترک می‌باشد.

۱۰- وضعیت اشتراک و مبلغ آن تا حدودی دو مقوله کمکی مالی دولت و حمایت آن را روشن‌تر می‌کند. هرچه تعداد اشتراک و فروش مجله بالاتر باشد نیاز به هر نوع حمایت از طرف دولت کمتر احساس می‌شود. در طبقه‌بندی حق اشتراک، اکثریت مجلات در گروه حق اشتراک ۱۲۰۰۰ ریال و کمتر قرار گرفته‌اند. میزان قرار گرفتن مجلات در شاخصهای فوق با میزان حق اشتراک نسبت معکوس دارد. هرچه میزان اشتراک بالاتر می‌رود از نسبت مجلاتی که در آن قرار دارند کاسته می‌شود.

۱۱- اغلب مجلات علوم پایه در پائین‌ترین و مجلات گروه عمومی با بالاترین درصد در بالاترین میزان حق اشتراک قرار گرفته‌اند.

۱۲- مجلات وابسته به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و سپس

## مجلات علمی در ایران

از تنوع بسیاری برخوردارند،

خوانندگان آنها معدودند، هزینه چاپ و نشر آنها

بالا و بدون بازگشت است،

در بسیاری موارد دارای سازمان کافی و

مدیریت مستقل نیستند.

دانشگاهها و مؤسسات پژوهشی از حق اشتراک کمتر و مجلات وابسته به بخش خصوصی دارای مبالغ اشتراک بالایی هستند.

۱۳- اکثر مجلات علمی فارسی دارای مشترک خارجی نیستند و در گروه مجلات دارای بیش از ۱۰۰ مشترک فقط ۸/۷٪ از آنان قرار می‌گیرند. میانگین تعداد مشترکان خارجی فقط ۴۶ نفر است و ارقام میانه و نما برابر با صفر است.

۱۴- تعداد اشتراک خارجی در گروههای هنر، علوم انسانی، فنی و مهندسی، و علوم پایه به ترتیب از بقیه گروهها بیشتر است و گروه پزشکی در پائین‌ترین حد قرار دارد.

۱۵- مجلات وابسته به بخش خصوصی و افراد، دارای بالاترین میزان اشتراک خارجی هستند و کمترین میزان مربوط به دانشگاهها و وزارتخانه‌ها است.

### ۳. نویسندگان و مترجمان

۱- حدود ۷۵/۴٪ از خوانندگان از نظر تولید مطالب علمی برای مجلات هیچ نوع همکاری با مجلات ندارند، ۱۱/۷٪ به‌ندرت همکاری می‌کنند، ۸/۵٪ گاهی و فقط ۱/۷٪ زیاد.

۲- به موازات افزایش سن میزان همکاری با مجلات افزایش می‌یابد و مشارکت مردان از زنان بیشتر است.

۳- همکاری دانشجویان دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری با مجلات علمی بیشتر از دانشجویان دوره‌های کارشناسی است.

۴- نسبت مشارکت خوانندگان با مجلات در گروههای فنی و مهندسی و کشاورزی از گروههای دیگر بیشتر و در گروههای علوم پایه، پزشکی و هنر کمتر است.

۵- نسبت فقدان مشارکت خواننده با مجله در تهیه مقاله در گروههای علوم انسانی، هنر، و علوم پایه از دیگر گروهها بیشتر است.

۶- نویسندگان حرفه‌ای و جدی مجلات علمی خود به مجلات علمی داخلی دل بستگی ندارند. منبع تغذیه فکری آنها منابع خارجی است و از مجلات داخلی برای چاپ مقالاتشان استفاده می‌کنند.

۷- اغلب مقالات مجلات علمی ایران حالت تک مؤلفه دارند و در یک مجله علمی به‌طور متوسط ۷/۹ مقاله تک مؤلفه وجود دارد. میانگین تعداد مقالات دو مؤلفه و سه مؤلفه و بیشتر به ترتیب برابر با ۱ و ۰/۷۲ است که در مقایسه با مجلات معتبر خارجی بسیار ناچیز است.

۸- تعداد مقالات تک مؤلفه با تعداد مقالات پژوهشی مجلات

همبستگی منفی و با تعداد مقالات گردآوری همبستگی مثبت دارد. در مقالات پژوهشی گرایش به سوی مقالات چند مؤلفه است و به‌عکس مقالات مبتنی بر گردآوری ماهیت انفرادی دارند.

۹- متوسط مقالات تک مؤلفه به ترتیب در مجلات عمومی، هنر، و علوم انسانی از گروههای دیگر بیشتر است.

۱۰- نسبت مقالات چند مؤلفه در گروههای علوم پایه، پزشکی، و کشاورزی از دیگر گروهها بیشتر است.

۱۱- نسبت مقالات بدون ذکر نام مؤلف در مجلات فنی و مهندسی و عمومی بیش از گروههای دیگر است.

۱۲- مقالات بدون ذکر نام مؤلف بیشتر در مجلاتی که افراد و مؤسسات خصوصی منتشر می‌کنند بیشتر است و مرتبه دوم را مجلات وابسته به نهادها و مؤسسات نیمه وابسته به دولت دارند.

۱۳- بالاترین نسبت مقالات چند مؤلفه مربوط به مجلات دانشگاهی است.

۱۴- تعداد کل افرادی که به‌طور متوسط در تدوین علمی (نوشتن، ترجمه و ...) مطالب در یک مجله مشارکت علمی دارند برابر با ۱۳/۵ نفر است.

۱۵- متوسط مقالات علمی مردان در یک مجله علمی ۹/۷ و در مورد زنان ۱/۷ است و براین اساس مقاله‌نویسی علمی در ایران حالتی مردسالارانه دارد.

۱۶- مشارکت نویسندگان زن در گروه پزشکی بیش از سایر گروهها و در گروه فنی و مهندسی از همه کمتر است. در مجلات علمی-پژوهشی به‌طور متوسط ۱۳/۶ نفر مرد و ۲/۴ نفر زن دارای مقاله بودند.

۱۷- در مجلات علمی، به‌طور متوسط ۱/۳ نفر مترجم مرد و ۰/۴۶ مترجم زن فعالیت دارند. سهم زنان در تألیف بیش از ترجمه است، هرچند که در هر دو مورد اندک است.

۱۸- در یک مجله علمی به‌طور متوسط ۱/۷ نفر مترجم فعالیت داشته‌اند.

۱۹- دست‌کم ترجمه از سوی زنان در مجلات گروه کشاورزی مشاهده شده است.

۲۰- حضور مردان مترجم در نشریات وابسته به مؤسسات نیمه‌دولتی و نهادها از سایر ناشران بیشتر و کمترین حضور مربوط به نشریات دانشگاهی است.

۲۱- سهم زنان مترجم در مجلات علمی-خبری خیلی بیش از سهم آنان در سایر انواع است.

۲۲- در یک مجله علمی به‌طور متوسط حدود ۰/۳ نفر در زمینه تهیه سایر مطالب (معرفی سمینار و کتاب و ...) فعالیت دارند.

۲۳- به‌طور متوسط در یک مجله ۲/۳ نفر زن و ۱۱/۲ نفر مرد در تهیه هر نوع مطلب فعالیت دارند.

### ۴. محتوای مجلات

۱- محتوای مجلات و نقشی که گروههای مختلف از نظر موضوعی در این زمینه داشته‌اند، در طول ده ساله گذشته همواره متحول بوده است و بر نسبت مقالات پژوهشی در بسیاری از رشته‌ها افزوده شده

است و از جمله این گروه‌ها رشته‌های هنری است که نسبت مقالات مبتنی بر روش علمی آنها در مجلات بسیار افزوده شده است.

۲- در مقالات تألیفی بالاترین سهم مربوط به گروه علوم انسانی است و کمترین رتبه از آن علوم پایه است.

۳- در ویف مقالات پژوهشی رتبه اول به گروه پزشکی تعلق دارد و کمترین سهم مربوط به گروه هنر است.

۴- در زمینه ترجمه، گروه‌های علوم انسانی و فنی و مهندسی رتبه‌های اول و دوم را دارند.

۵- توجه گروه‌های علوم انسانی و فنی و مهندسی به اخبار علمی بیش از گروه‌های دیگر است.

۶- به معرفی کتاب در مجلات گروه علوم انسانی بیش از دیگر گروه‌ها توجه شده و کمترین نسبت از آن گروه علوم پایه است.

۷- بیشترین نسبت آگهی‌های تبلیغاتی مربوط به مجلات گروه فنی و مهندسی است و کمترین میزان آن به گروه علوم پایه تعلق دارد.

۸- بالاترین تعداد مقالات چاپ شده در مجلات علمی کشور به گروه علوم انسانی تعلق دارد.

۹- بیشترین حجم مطالب چاپ شده از نظر تعداد صفحه به گروه علوم انسانی تعلق دارد (۵۸٪ کل صفحات) و کمترین حجم (۳/۲٪) مربوط به گروه علوم پایه است.

۱۰- بالاترین حجم صفحات حاوی مقالات پژوهشی مربوط به گروه پزشکی (۲۹/۶٪) و کمترین حجم مربوط به گروه هنر است (۰/۴٪).

۱۱- بالاترین حجم از نظر صفحاتی که به آگهی اختصاص دارد متعلق به مجلات بخش خصوصی و سهم بخش دولتی و نیمه دولتی کم است.

۱۲- مجلاتی که به گروه‌های موضوعی مختلف تعلق دارند از نظر تعداد مقالات و حجمی که از نظر صفحه به انواع گوناگون مطالب (پژوهشی، تألیفی و ...) اختصاص می‌دهند از نظر آزمون آماری متفاوت هستند.

۱۳- مجلاتی که به سازمان‌های مختلف تعلق دارند (دانشگاهها، وزارتخانه‌ها، ...) از لحاظ تعداد مقالات و حجمی که از نظر صفحه به انواع گوناگون مطالب (پژوهشی، تألیفی و ...) اختصاص می‌دهند باتوجه به آزمون آماری متفاوت هستند.

۱۴- به‌طور متوسط در یک مجله علمی ۱/۴۶ مقاله پژوهشی درج می‌شود که در حدود ۱۵/۴ صفحه را اشغال می‌کند.

۱۵- به‌طور متوسط در یک مجله پزشکی ۳/۵۳ مقاله پژوهشی وجود دارد و رتبه دوم با ۳/۱۲ مقاله مربوط به گروه کشاورزی است. در یک مجله دانشگاهی به‌طور متوسط ۳/۰۵ مقاله پژوهشی وجود دارد و این مقدار در مجلات وابسته به افراد و مؤسسات خصوصی ۰/۳۸ است.

۱۶- انتشار یافته‌های پژوهشی در مجلات شدیداً مورد تأکید خوانندگان است.

۱۷- تأکید زنان خواننده در نشر یافته‌های پژوهشی در مجلات اندکی بیش از مردان است.

۱۸- تأکید خوانندگان در گروه پزشکی بر نشر مطالب پژوهشی از سایر گروه‌ها بیشتر است.

۱۹- به‌طور متوسط در مجلات علمی کشور ۱/۴ مقاله تحلیلی (با حجم صفحه‌ای حدود ۱۳/۳) چاپ می‌شود که این مقدار در گروه علوم انسانی بیش از گروه‌های دیگر و در گروه فنی و مهندسی از همه کمتر است.

۲۰- بالاترین میزان مقالات تحلیلی را مجلات وابسته به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی منتشر می‌کنند و کمترین سهم از آن ناشران خصوصی است.

۲۱- مقالات گردآوری یا تألیفی که بالاترین تعداد و حجم را در مجلات علمی ایران دارد، در گروه‌های هنر و علوم انسانی بیشتر و در گروه پزشکی از گروه‌های دیگر کمتر است.

۲۲- بالاترین تعداد مقالات تألیفی از طریق مجلات وابسته به نهادها و مؤسسات نیمه دولتی منتشر می‌شود و حجم صفحاتی که به این نوع مطالب در مجلات اختصاص داده شده در حدود ۱۰۲ صفحه است.

### مجلات علمی می‌توانند نقش عمده‌ای

در پرورش ذهنیت افراد داشته باشند و

دانش آنان را در حوزه‌های مختلف توسعه دهند.

با طرح مباحث نظری و

ارائه دیدگاه‌های مختلف جهان بینی

خوانندگان توسعه و فضای اجتماعی‌ای

که در برابر آنها قوار دارد گسترش می‌یابد.

۲۳- برخی از مطالبی که به شکل گردآوری یا تجزیه و تحلیل (مقالات تحلیلی) در مجلات چاپ می‌شوند، در اساس ترجمه از یک یا چند منبع هستند.

۲۴- به‌طور متوسط در یک مجله علمی ایرانی ۱/۷ مورد ترجمه وجود دارد که ۱۲/۶ صفحه را اشغال می‌کند.

### ۵. نظم انتشار

۱- بیشتر خوانندگان مجلات معتقدند که نشر مجلات علمی باکندی زیاد صورت می‌گیرد و این کندی سرعت نشر را با نمره ۳/۵ (از ۵) ارزش‌گذاری می‌کنند.

۲- همه خوانندگان اعم از زن و مرد و در تمام مقاطع سنی کم و بیش به کندی سرعت نشر معتقدند و تفاوت معنی‌دار آماری میان آنها وجود ندارد.

۳- با ارتقای موقعیت دانشگاهی افراد (از مرحله دانشجویی به عضویت هیئت علمی) بر نگرش منفی سرعت نشر افزوده می‌شود.

۴- در گروه‌های هنر، فنی و مهندسی، و علوم پایه گلابه از سرعت نشر بیشتر است و در گروه علوم انسانی کمتر. به‌طور کلی وابستگان به گروه‌های مختلف آموزشی از نظر شدت تأکید بر کندی سرعت انتشار مجله اختلاف نظر دارند.

۵- فقط حدود ۵/۵۲٪ از مجلات در سال ۱۳۷۷ منتشر شده بودند و این درصد به معنی آن است که حدود نیمی از مجلات آخرین شماره خود را در سال ۱۳۷۶ منتشر کرده بودند.

۶- نسبت مجلات به هنگام در گروه مجلات علمی عمومی در مرتبه اول و در گروه فنی و مهندسی از بقیه بیشتر و در علوم پایه از همه کمتر است.

۷- ناشران مجلات دانشگاهی (یعنی دانشگاهها) نامناسبترین شرایط را از نظر نشر به هنگام مجلات دارند. چرا که در ۱۳/۵٪ موارد آخرین شماره آنها مربوط به سال ۱۳۷۵ بوده است و حال آنکه چنین نسبتی در مجلات وابسته به نهادها و مؤسسات نیمه دولتی فقط حدود ۲٪ است.

۸- نسبت مجلات دارای ادغام ۲ شماره یا بیشتر برابر با ۲۲/۲٪ است.

۹- حالت ادغام چند شماره در مجلات گروه هنر از همه کمتر است (۱۳/۶٪) و در سه گروه علوم پایه، پزشکی و علوم انسانی حداکثر در حدود ۲۵-۲۴٪ است.

۱۰- در مجلات وابسته به دانشگاهها حالت ادغام از همه انواع دیگر مجلات بیشتر است.

۱۱- در ۱۰/۸٪ مورد کار نشر مجلات حالت متوقف داشته و آینده آن نامعلوم بوده است.

۱۲- نسبت توقف کار نشر مجله در مجلات وابسته به انجمنها و گروههای حرفه‌ای بیش از بقیه بوده، در مراتب بعد مجلات وابسته به وزارتخانه‌ها قرار دارند.

۱۳- حدود ۱۳٪ از مدیران مجلات از آینده نامشخص مجلات خود گله داشتند.

۱۴- ابهام از نظر نشر مجله در آینده در گروههای علوم انسانی و هنر، بیش از بقیه بوده است.

۱۵- مشکل نشر به موقع در بخش دولتی بیش از بخش خصوصی است.

۱۶- مهمترین عوامل تهدیدکننده تداوم نشر بر اساس نظر مدیران مجلات عبارتند از: کمبود اعتبار، کمبود امکانات چاپی، کمبود نیروی انسانی متخصص، کمبود مقالات علمی- پژوهشی، عدم حمایت دولت، و تغییر در ساختار و ارکان مجله.

۱۷- به طور کلی می‌توانیم قضاوت کنیم که مجلات بخش خصوصی از نظم انتشار بیشتری برخوردارند.

۱۸- مجلاتی که در حوزه معارف اسلامی منتشر می‌شوند در مقایسه با حوزه‌های دیگر انتشار منظم‌تری دارند.

#### ۶. مطالعه مجلات

۱- با افزایش سن به طور کلی از میزان مطالعه مجله کاسته می‌شود.

۲- با ارتقای موقعیت آموزشی در سطح دانشگاه بر میزان مطالعه مجلات تخصصی افزوده می‌شود.

۳- با اینکه نسبت مطالعه مجله در میان اعضای هیئت علمی بیش از تمامی گروههای دانشجویان است اما هنوز حدود ۴۱٪ آنها هیچ یا کم مجله می‌خوانند و البته مجلات ایرانی. در این گروه نسبت قابل توجهی اساساً از مجلات خارجی استفاده می‌کنند.

۴- مطالعات مجلات تخصصی در گروههای هنر، علوم انسانی، و کشاورزی از سایر گروهها بیشتر است و به نظر می‌رسد که کمترین میزان و البته نه با اختلاف خیلی زیاد مربوط به گروه فنی و مهندسی باشد.

۵- زنان بیش از مردان از مجلات غیر تخصصی استفاده می‌کنند.

۶- مطالعه مجلات غیر تخصصی به طور کلی در میان افراد وابسته به گروههای پزشکی و کشاورزی از بقیه کمتر است و در مورد گروه فنی و مهندسی جامعه آماری عملاً به دو گروه تقسیم شده است کسانی که زیاد و کسانی که کم به مطالعه مجلات غیر تخصصی علاقه مند هستند.

۷- مطالعه مجلات غیر تخصصی برای افراد معمولاً مطالعه مجلات اجتماعی- سیاسی را شامل می‌شود که توجه به آنها به ویژه در میان جوانان بیشتر شده است.

۸- در مجموع باید گفت که میزان مطالعه مجلات اعم از تخصصی و غیر تخصصی در جامعه دانشگاهی کشور بسیار محدود است.

۹- سطح رضایت کلی از مجلات علمی کشور (به طور کلی تخصصی و غیر تخصصی) در میان زنان اندکی بیش از مردان است.

۱۰- با بالا رفتن سن از میزان رضایت چه در سطح مجلات تخصصی و چه غیر تخصصی کاسته می‌شود و در میان زنان این پائین آمدن تندتر است.

۱۱- با ارتقای موقعیت دانشگاهی سطح رضایت از مجلات تخصصی کاهش می‌یابد، اما سطح کلی رضایت (اعم از تخصصی و غیر تخصصی) از قاعده دقیقی تبعیت نمی‌کند.

۱۲- رضایت از مجلات تخصصی در گروه علوم انسانی از گروههای دیگر بیشتر و در گروه فنی و مهندسی از همه کمتر است و این موضوع در مورد سطح رضایت کلی (اعم از تخصصی و غیر تخصصی) نیز صادق است.

۱۳- در مورد مجلات غیر تخصصی رابطه‌ای میان موقعیت دانشگاهی افراد و سطح رضایت آنها مشاهده نمی‌شود، هرچند که رضایت روندی کم و بیش معکوس با ارتقای موقعیت دانشگاهی دارد.

۱۴- چنین به نظر می‌رسد که رضایت از مجلات غیر تخصصی در گروههای علوم پایه، هنر، و علوم انسانی از گروههای دیگر بیشتر باشد و کمترین سطح رضایت زیاد را در گروه پزشکی مشاهده می‌کنیم.

۱۵- میزان کلی بهره‌مندی از مجلات در میان زنان اندکی بیش از مردان است.

۱۶- میزان بهره‌مندی رابطه آماری مشخصی را با موقعیت دانشگاهی در سطح مجلات تخصصی نشان نمی‌دهد.

۱۷- با بالا رفتن سن از میزان بهره‌مندی از مجلات تخصصی کاسته می‌شود، و این بهره‌مندی در گروههای پزشکی و علوم انسانی از گروههای دیگر بیشتر است.

۱۸- میزان بهره‌مندی مردان از مجلات غیر تخصصی کمتر از زنان است.

۱۹- با ارتقای موقعیت دانشگاهی از میزان بهره‌مندی از مجلات غیر تخصصی کاسته می‌شود.  
 ۲۰- به نظر می‌رسد در گروه هنر میزان بهره‌مندی از مجلات غیر تخصصی بیش از سایر گروه‌ها باشد.

### ۷. ارزشیابی مجلات

۱- ارزیابی مجلات علمی که بیشتر دارای اهداف کاربردی و برنامه‌ریزی است باتوجه به رویه‌های گوناگون مبتنی بر روشهای مورد استفاده در علم‌سنجی صورت می‌گیرد.

۲- در ایران مرجع رسمی تأیید و تعیین اعتبار مجلات علمی «کمسیون بررسی نشریات علمی» است که عملاً در دو وزارتخانه علوم، تحقیقات و فناوری، و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی استقرار یافته است.

۳- مدیران مجلات معتقدند که ضوابط مدرک عمل کمیسیون نشریات با شرایط واقعی هماهنگی لازم مجلات علمی ایران را ندارد.

۴- در بررسی ما، ارزیابی مجلات را گروه‌های مختلفی نظیر کارشناسان، دانشجویان و اعضای هیئت علمی و مدیران مجلات علمی به‌عهده دارند. هدف اصلی مقایسه نتایج حاصل از قضاوت گروه‌های مختلف به‌منظور دستیابی به تصویر روشنی از مجلات علمی منتشره در ایران بوده است.

۵- حدود ۴۶٪ از مجلات علمی، از نظر کیفیت استناد و منابع در وضع خوبی قرار دارند. در گروه پزشکی این شرایط از همه گروه‌ها بهتر و در مجلات علمی عمومی از این نظر مشکل بیشتری وجود دارد.

۶- وضع استناد به مراجع و منابع در مجلات دانشگاهی از سایر مجلات بهتر و در مجلات وابسته به بخش خصوصی از همه نامناسب‌تر است.

۷- از لحاظ ویرایش ادبی حدود ۵۷٪ از مجلات وضع مطلوبی دارند و این نسبت در گروه هنر از همه بیشتر و در گروه مجلات عمومی از همه کمتر است.

۸- سطح ویرایش ادبی در مجلات وابسته به دانشگاهها از همه بالاتر و در مجلات وابسته به بخش خصوصی از همه پایین‌تر است.

۹- حدود ۳۵/۸٪ از مجلات علمی کشور از نظر ساختار عمومی مقالات (هماهنگی آن با اصول مقاله‌نویسی علمی) وضع مطلوبی دارند و اکثراً در حالت متوسط قرار دارند.

۱۰- ساختار عمومی مقالات در مجلات گروه‌های کشاورزی و پزشکی کیفیت بالاتری دارد و در مجلات عمومی از گروه‌های دیگر پایین‌تر است.

۱۱- ساختار عمومی مقالات در مجلات وابسته به دانشگاهها و مؤسسات پژوهشی مطلوبتر است.

۱۲- وضع صفحه‌بندی در مجلات مربوط به گروه هنر کیفیت بالاتری دارد و در گروه‌های علوم پایه و عمومی وضع نامطلوبتر است.

۱۳- در حدود ۵۳٪ مجلات علمی صفحه‌بندی مطلوبی ندارند.

۱۴- در ۶۴٪ موارد مجلات علمی از نظر چاپ کیفیت مطلوبی ندارند.

۱۵- کیفیت چاپ در گروه هنر از همه گروه‌ها مطلوبتر است.  
 ۱۶- مطلوبترین کیفیت چاپ مربوط به مجلات وابسته به مؤسسات نیمه‌دولتی و نهادهاست.

۱۷- باتوجه به شاخص ارزیابی فنی عمومی بیش از نیمی از مجلات علمی (۵۲/۴٪) در وضع متوسط قرار دارند.

۱۸- از نظر شاخص ارزیابی فنی عمومی مجلات گروه کشاورزی وضع مطلوبتری دارند.

۱۹- مجلات وابسته به دانشگاهها و مؤسسات پژوهشی از نظر شاخص ارزیابی عمومی وضع مطلوبتری دارند و بیشترین نارسائی مربوط به مجلات وابسته به افراد و مؤسسات خصوصی است.

۲۰- شاخص ارزیابی شکلی مجلات علمی بالاتر از شاخص ارزیابی ساختاری است.

۲۱- شاخص ارزیابی ساختاری در مجلات گروه‌های علوم پایه، کشاورزی، پزشکی وضع مطلوبتری دارد.

۲۲- شاخص ارزیابی ساختاری در مجلات وابسته به وزارتخانه‌ها وضع مطلوبتری دارد.

۲۳- شاخص ارزیابی شکلی در مجلات گروه هنر بهترین وضع را دارد و در گروه‌های پزشکی و علوم پایه سطح شاخص پایین‌تر است.

۲۴- شاخص ارزیابی شکلی در مجلات وابسته به دانشگاهها، وزارتخانه‌ها، و مؤسسات نیمه‌وابسته وضع مطلوبتری دارد.

۲۵- شاخص ارزیابی فنی عمومی در مجلات علمی - پژوهشی در سطح بالاتری است.

### ۸. مشکلات تولید و نشر

۱- مسائل و مشکلات مجلات علمی ایران را می‌توان به دو دسته عمده برون‌سازمانی و درون‌سازمانی تقسیم کرد.

۲- مسائل مجلات جدا از مسائل کلی مملکتی نیستند و نباید مشکلات آنها را به‌مثابه واحدی منفرد از جامعه مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

۳- مدیران مجلات در مجموع وزن بیشتری به اهمیت مشکلات برون‌سازمانی می‌دهند (ضعف ساختار پژوهشی، ضعف انجمنهای علمی، موانع سیاسی، موانع حقوقی، عدم حمایت مالی و معنوی دولت). میانگین درجه اهمیت این مشکلات برای آنان ۲/۸۹ (از ۵) است.

۴- به اعتقاد مدیران مجلات مهمترین مشکلات برون‌سازمانی مجلات به‌ترتیب درجه اهمیت عبارتند از: ضعف ساختار پژوهشی کشور، ضعف انجمنهای علمی، عدم حمایت مالی دولت، عدم حمایت معنوی دولت، موانع حقوقی و موانع سیاسی.

۵- به اعتقاد مدیران مجلات مهمترین مشکلات

درون‌سازمانی مجلات به ترتیب اهمیت عبارتند از: مشکلات مالی به‌طور کلی، بالا بودن هزینه‌های چاپ، ضعف بازار فروش، فقدان نیروی انسانی آموزش‌دیده، کمی دسترسی به منابع علمی، و عدم حمایت هیئت تحریریه مهمترین مشکلات برای آنان از نوع اقتصادی هستند.

۶- تأکید بر مشکلات درون‌سازمانی در گروه هنر از همه بیشتر و در گروه علوم پایه از همه کمتر است.

۷- تأکید بر مشکلات برون‌سازمانی در مجلات وابسته به گروه‌های علوم پایه و هنر از همه بیشتر و در گروه‌های پزشکی و فنی و مهندسی از همه کمتر است.

۸- از دیدگاه مدیران، مشکلات برون‌سازمانی برای مجلات وابسته به بخش خصوصی اهمیت بیشتری از بخش دولتی دارد و حال آنکه مشکلات درون‌سازمانی برای هر دو گروه اهمیتی یکسان دارد.

۹- مشکلاتی که از نوع اقتصادی هستند در گروه‌های پزشکی و علوم انسانی کمتر مورد تأکید قرار گرفته و در مقابل در گروه فنی و مهندسی بیشتر احساس شده است. همچنین اهمیت این مشکلات برای بخش خصوصی محسوس‌تر بوده است.

۱۰- مشکلاتی که از نوع سیاسی و حقوقی هستند از سوی گروه فنی و مهندسی کمتر مورد تأکید بوده است و در گروه‌های هنر و علوم پایه بیشتر به آنها اهمیت داده شده است. اهمیت این مشکلات از سوی مدیران بخش خصوصی بیشتر احساس شده است و احتمالاً نوع آنها متفاوت است.

۱۱- مشکلات فنی کمتر مورد تأکید مجلات وابسته به گروه‌های عمومی و علوم پایه است و حال آنکه در گروه هنر به آنها اهمیتی بیش از مدیران مجلات وابسته به بخش خصوصی داده نشده است.

۱۲- به‌طور کلی می‌توان گفت که از لحاظ ساختاری اهمیت مشکلات درون‌سازمانی از برون‌سازمانی بیشتر است. همچنین مسائل اقتصادی در ردیف اول اهمیت قرار دارند، مسائل فنی رتبه دوم و مسائل سیاسی و حقوقی دارای مرتبه سوم هستند.

۱۳- منبع اصلی تولید مقاله برای مجلات علمی ساختار پژوهشی نیرومند یک جامعه است. اگر محققان در ارتباط با همدیگر، و با استفاده و کاربرد شیوه‌های علمی - پژوهشی نتوانند مشکلات علمی را حل یا راه حل آنها را جستجو و نتایج جستجو و پژوهش خود را در قالب مقالات جمع‌بندی و تدوین کنند، طبیعتاً مجلات علمی یا بدون مقاله خواهند ماند، یا به مقالات ساده اکتفا خواهند کرد یا در نهایت به ترجمه دست خواهند زد. مدیران مجلات مورد مطالعه روی تأثیر زیاد ضعف ساختار علمی تأکید کرده‌اند. در رابطه با گروه‌های موضوعی، دو گروه علوم پایه و هنر این تأثیر را مطلق دانسته‌اند. دو گروه فنی - مهندسی و کشاورزی نیز روی تأثیر زیاد پای فشرده‌اند.

۱۴- مدیران مجلات وابسته به انجمنها و گروهها بیش از مدیران مجلات وابسته به افراد و مؤسسات خصوصی تأثیر ضعف ساختار پژوهشی را در نشر مجلات مؤثر دانسته‌اند.

۱۵- میانگین شدت تأکید بر مشکل ساختار پژوهشی کشور از سوی مدیران از همه مشکلات دیگر بیشتر بوده (۳/۸۶ از ۵) و از سوی مدیران مجلات وابسته به بخش خصوصی و انجمنها نیز مهم‌تر از ناشران دیگر تلقی شده است. ■

### منابع و مأخذ

- اسدی، علی و محسنی، منوچهر. *گرایشهای فرهنگی و نگرشهای اجتماعی در ایران*. تهران، پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران، ۱۳۵۶.
- بیگلر، محمدحسین و ... «مطالعه وضعیت کمی تولید اطلاعات علمی ...» مدرس علوم انسانی. دوره دوم، شماره سوم، تابستان ۱۳۷۶.
- سلطانی، پوری و اقتدار، رضا. *راهنمای روزنامه‌ها و مجله‌های ایران*. تهران، کتابخانه ملی ایران، ۱۳۷۶.
- *رهیافت*، سال چهارم، شماره هشت، ۱۳۷۴.
- سینایی، حسین. «مجلات علمی ایران». *سروش*، سال هفدهم، شماره ۷۸۳، اردیبهشت، ۱۳۷۶.
- وزارت فرهنگ و آموزش عالی، معاونت پژوهشی، *آئین‌نامه تأیید و تعیین اعتبار و تشخیص ضرورت انتشار مجلات و نشریات علمی کشور و ملحقات آن*، ۱۳۷۳.
- سلطانی، پوری و ... *اصطلاحنامه کتابداری*. فارسی به انگلیسی و انگلیسی به فارسی. تهران، کتابخانه ملی ایران. چاپ دوم، ۱۳۶۵.
- محسنی، منوچهر. بررسی ویژگیها و مسایل تولید، نشر، و مطالعه مجلات علمی در ایران. تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها. ۱۳۷۸.
- محسینیان راد، مهدی و همکاران. *فهرستگان ارتباطات*. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، جلد اول، ۱۳۷۲.
- ونیدال، سون و ... *کاربرد نظریه‌های ارتباطات*. ترجمه دکتر علیرضا دهقان. تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها. ۱۳۷۶.
- Albert, P. *La presse francaise*. Paris: La Documentation francaise. 1990.
- Allbert, P. *Lexique de la presse écrite*. Paris: Dalloz. 1989.
- Bethery, Annie, et. al. *Revue et magazines*. Paris: Editions du Cercle de la librairie. 1997.
- *Dictionnaire Encyclopedique Quillet*. Paris: Quillet. 1987.
- Tristani Potteax, F. *Les Journalistes Scientifiques*. Paris: Economica. 1997.
- Truxillo et al. J.P. *Dictionnaire de la communication*. Paris: Armand Colin. 1991.
- Unesco. *World List of Social Science Periodicals*. Paris: Unesco. 1976.